

تعارض اختلاف قرائات و عدم تحریف قرآن

سید مرتضی پورایوانی*

تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۶/۴/۸

چکیده

قرآن معجزه جاودان و جهانی پیامبر/اسلام(ص) است که خود تأکید دارد هرگز گرد تحریف دامن پاک آن را نخواهد آلود. با مشاهده قرائت‌های مختلفی که از آیات آن وجود دارد، این پرسش رخ می‌نماید که آیا وجود قرائت‌های گوناگون به معنای ورود تحریف در قرآن نیست. مبحث قرائات و نیز عدم تحریف قرآن از مباحث مهم و کلیدی علوم قرآنی است، تا جایی که دانش‌پژوهان در طول اعصار مختلف درباره هر یک مستقلاً کتاب‌هایی نگاشته‌اند و تفصیلاً در مورد پیشینه انواع قرائات و حجیت آن‌ها صحبت‌هایی شده است. همچنین در دفع شبهه تحریف دلائل متعددی بیان گشته و قرآن کریم را از هرگونه دستکاری مصون دانسته‌اند. اگرچه همواره این سؤال در تعارض این دو مطلب مطرح بوده که چگونه می‌شود از طرفی معتقد به عدم تحریف قرآن بود و از طرف دیگر قرائت‌های مختلف و اختلاف‌های فراوان را در زمینه قرائت قرآن شاهد بود؟ اما محققین یا سعی کرده‌اند هرگز این دو را در تعارض هم ندانند و یا اگر هم تعارض قائل شده‌اند با تمسک به عباراتی مبهم خواسته‌اند مشکل را حل کنند. ما اساساً این دو مقوله را در تعارض هم دانسته و تلاش علما را در حل این مشکل ناکافی می‌دانیم و معتقدیم هنوز مسأله لا ینحل باقی مانده و اقدام مؤثری در این زمینه صورت نگرفته است، در نتیجه در این راستا در مقام بیان وجوه محتمل در صدد حل مسأله برآمده‌ایم.

کلیدواژگان: اختلاف قرائات، عدم تحریف قرآن، تعارض، حقیقت قرآن.

مقدمه

یکی از پدیده‌هایی که در تاریخ قرآن رخ نمود و آثار آن به صورت ریشه‌ای در میان مسلمانان بر جای مانده، پدیده اختلاف قرائات است. از آنجا که این امر دستاویزی برای برخی از خاورشناسان برای تهاجم به قرآن و ادعای تحریف در این کتاب آسمانی فراهم آورده، این مقاله با نقد این شبهه قائل به تعارض میان این دو پدیده بوده و در مقام حل این تعارض برآمده است. در نتیجه مباحث مقاله برای دستیابی به مقصود کلام در سه بخش و بدین شرح تنظیم شده است:

۱- در بخش نخست معنی و مفهوم قرائت و پیدایش اختلاف قرائات را مورد بررسی قرار دادیم.

۲- در بخش دوم ضمن تأکید بر حقیقت قرآن، عدم تحریف آن را منعکس ساختیم.

۳- در بخش سوم تعارض اختلاف قرائات و عدم تحریف قرآن را تبیین کرده و راه‌های حل تعارض را شرح دادیم.

فرضیه تحقیق

موضوع اختلاف قرائات و عدم تحریف قرآن، یکی از مسائل مهم و چالش برانگیز دین اسلام از ابتدای تأسیس تا کنون می‌باشد. با وجود معجزه دانستن قرآن کریم و عدم تحریف آن، هر خدشه‌ای که بر این باور اسلامی وارد شود، می‌تواند بسیاری از باورهای اسلامی دیگر را نیز متزلزل سازد. فرضیه محوری بحث مذکور این است که آیا اختلاف در قرائات موجب تحریف قرآن می‌شود؟ وجود این اختلاف قرائات به علاوه منازعات دینی و فرقه‌ای میان اهل سنت و شیعه در دوره‌های مختلف، باعث شده که برخی توهم نمایند که متن قرآن، تحریف شده است.

یکی از مسائل مهمی که در مورد قرآن مطرح بوده و از حساسیت بیش‌تری برخوردار است مسأله تحریف قرآن می‌باشد که پیوسته در حوزه قرآنی، ذهن هر مسلمانی به ویژه دانشمندان این علم را به خود مشغول داشته، البته هرچند که همه آن‌ها اعم از مسلمانان عادی و یا دانشمندان با نظر به دلایل عقلی و گواهی تاریخ، یقین و اعتقاد بر عدم تحریف قرآن را دارند و معتقدند که این قرآنی که امروز در دست دارند عین همان

قرآنی است که دیروز بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل شده و چیزی از آن کم و زیاد نگردیده، اما در این میان عده‌ای از افراد کوتاه‌بین و ظاهرنگر و عده‌ای نیز بر اساس دشمنی به اسلام و قرآن می‌گویند همان‌طور که کتاب‌های پیشین تحریف شده است این کتاب نیز تحریف شده و در این میان به ظواهر برخی از احادیث و روایت‌ها نیز اشاره می‌کنند.

مسأله اختلاف قرائات و یا قرائت‌های گوناگون از قرآن کریم که برخی آن را هفت یا ده و یا چهارده قرائت می‌دانند از جمله مسائل بسیار مهمی است که همواره شبیهه تحریف قرآن کریم را به دنبال داشته است.

پیشینه تحقیق

تعارض اختلاف قرائات و عدم تحریف قرآن یکی از مسائل محوری و مهم‌ترین زیربنای علوم اسلامی می‌باشد که عقیده بر هر کدام از آن‌ها مجموعه‌ای از موضوعات اسلامی و دینی را تغییر می‌دهد. از آنجا که در دوران حاضر این موضوع در کانون توجهات فرق اسلامی و غیراسلامی قرار گرفته است؛ لازمه تحقیق در این مسأله در اختیار داشتن پیشینه تحقیق و کتاب‌شناسی آن می‌باشد که در این بخش به بررسی آن می‌پردازیم.

پیشینه بحث تحریف ناپذیری قرآن را باید هم‌زمان با نزول قرآن و در متن آیات وحی جست‌وجو کرد. می‌توان به این نکته اذعان نمود که نقطه آغاز و سنگ بنای خلل‌ناپذیری الفاظ قرآن را، خود قرآن پی نهاده است. این موضوع مورد اقبال جدی دانشمندان شیعی تا دوره‌ی اخیر است. تنها در عصر صفوی (۹۰۶-۱۱۳۴ق) که تا حدودی فرصت برای جمع‌آوری اخبار فراهم شد روایات تحریف‌نما نیز در لابه‌لای منابع حدیثی، تفسیر بالمأثور تفاسیر روایی و شرح اخبار قرار گرفتند و تنی چند از امامیه، مانند سید نعمت‌الله جزائری (م/۱۱۲ق) و ابوالحسن فتونی به استناد به این اخبار به تحریف قرآن گرایش یافتند. لیکن اکثر قریب به اتفاق امامیه همچنان به علاج احادیث در این زمینه پرداختند و به تحریف ناپذیری قرآن گواهی دادند، تنها کتاب «فصل الخطاب» محدث نوری (م/۱۳۲۰ق) چالشی دیگر در این بستر تاریخی به شمار می‌آید.

پس از تألیف این کتاب، دانشمندان امامیه به این مسأله توجه افزون‌تری نشان دادند و ده‌ها کتاب مستقل در زمینه سلامت قرآن از تحریف به رشته تحریر درآوردند. نزد دانشمندان نیز بحث تحریف ناپذیری قرآن، پیشینه‌ای بس دیرینه دارد؛ آنان که کتاب‌هایی در فضایل قرآن نگاشته‌اند، مفسران در مقدمه تفسیر یا در طی شرح آیاتی که مربوط به موضوع سلامت قرآن است، اصولیون در بحث ناسخ و منسوخ و حجیت ظواهر آیات، فقها در بحث جواز قرائت سبعة در نمازها و گزینش یک سوره بعد از حمد و نیز در پاره‌ای از کتاب‌های معارف دینی به این مسأله پرداخته‌اند (نک: نجار زادگان، ۱۳۸۵: ۷۲).

در نگاهی اجمالی به کتب اختلاف قرائات و عدم تحریف قرآن، دریافته می‌شود که رویکرد غالب این کتاب‌ها رویکردی تاریخی و نزاع فرقه‌ای است که از قرن سوم تا پنجم شکل گرفته و تا کنون ادامه یافته است. در این زمینه کتاب‌های بسیاری به رشته تألیف درآمده است که هر یک از روزنه و دریچه‌ای خاص به موضوع مذکور پرداخته‌اند (رک: کتابشناسی عدم تحریف قرآن، سال بیست و ششم، شماره دوم، خرداد و تیر ۱۳۹۴، فصلنامه آینه پژوهش).

مقاله مذکور اجمالاً به ذکر بیش از صدها کتاب، مقاله و پایان نامه پرداخته است که هر یک نگاهی متفاوت و ویژه به مسأله عدم تحریف قرآن دارند. در برخی از این آثار، به ارتباط این مسأله با تعارض اختلاف قرائات نیز پرداخته شده که موضوع محوری بحث این مقاله یعنی اختلاف قرائات و عدم تحریف قرآن را در بر نمی‌گیرد.

در رابطه با اختلاف قرائات از قرآن نیز تا کنون صدها مستشرق راجع به قرآن کریم تحقیق کرده و آثاری منتشر کرده‌اند که بسیار قابل تأمل و بررسی است، اما در این خصوص توجه به یک نکته ضروری مینماید و آن علت گزینش هدفمند برخی موضوعات تحقیقی در خصوص قرآن کریم است. یکی از مهم‌ترین مباحثی که خاورشناسان در پژوهش‌های قرآنی خود بدان توجه جدی نموده و به مطالعه و تحقیق در خصوص آن پرداخته‌اند، مسأله تاریخ قرآن می‌باشد که یکی از مهم‌ترین زیرشاخه‌های متعلق بدان، مسأله جمع آوری قرآن، قرائات و وجود لهجه‌های مختلف در میان اعراب و نقش آن در به وجود آمدن اختلاف قرائات قرآنی است.

پیشینه وجوه اختلاف قرائات و ارتباط آن با تحریف قرآن را می‌توان پس از رحلت رسول خدا(ص) دانست. با توجه به اهتمام مسلمانان نسبت به آموزش قرآن، به تدریج محافل و مدارس در حوزه قرائت قرآن در نقاط مختلف بر پا گردید که در رأس هر کدام، یکی از صحابه بنام پیامبر(ص) قرار گرفت. اما هم‌زمان با گسترده شدن دایره تعلیم و تعلّم قرآن به تدریج اختلافاتی نیز در بین قاریان پدیدار شد و این اختلافات به نوبه خود موجب تحولاتی در زمینه بهسازی قرائت قرآن گردید که از جمله می‌توان به مسائلی چون توحید مصاحف، اصلاح رسم الخط قرآن، و شکل‌گیری قرائات سبعة اشاره کرد.

با وجوی که اهل سنت به قرائت‌های مختلف از قرآن قائل شدند، شیعه از همان آغاز اندیشه نزول قرآن بر اساس وجوه گوناگون را مورد تردید قرار می‌دهد و قائل به نزول کتاب خدا بر اساس حرف و قرائت واحد می‌گردد که این اندیشه به نوبه خود راه را بر تحریف قرآن می‌بندد.

پس از مقدمات مزبور می‌بایست به این نتیجه رهنمون گردید که در رابطه با پیشینه تحقیق یعنی اختلاف قرائات و عدم تحریف قرآن آثار بسیاری من جمله مقاله، کتاب و پایان نامه موجود است که هر یک به نحوی متمایز و جدا به بحث مذکور پرداخته‌اند؛ لیکن در منابعی که در این زمینه به رشته تحریر درآمده است، بیش‌تر به عدم تحریف قرآن در قالب نقد و بررسی روایات تحریف، پاسخ به شبهات تحریف، دیدگاه عالمان اسلامی در رابطه با تحریف و ... پرداخته شده و از ارتباط این دو با یکدیگر چشم‌پوشی شده است که نگارنده در تحقیق مذکور سعی دارد که به این مقصود یعنی تعارض اختلاف قرائات و عدم تحریف قرآن راه جوید.

گفتار اول: معنی و مفهوم قرائت و پیدایش اختلاف قرائات

۱. معنی و مفهوم قرائت

قرائت از ریشه «قرأ» به معنی جمع کردن و ضمیمه نمودن حروف به یکدیگر در جهت خواندن پشت سر هم کلمات است. قرائت اگرچه به مطلق خواندن گفته می‌شود اما طبق تصریح لغت شناسان به معنی خواندن با دقت است که در ترتیل قرآن نیز این

معنا لحاظ شده است و بر این اساس واژه «قرآن» به معنای خواندن همراه با دقت حروف و کلماتی است که به هم پیوسته و ضمیمه شده‌اند (فراهیدی، معجم مقاییس اللغة، ذیل ماده قرأ). امر به قرائت در آغاز اولین آیات نازل شده، حاکی از اهمیت موضوع نزد پروردگار است و در آخرین آیه سوره مزمل، خداوند پیامبرش را به قرائت قرآن کریم فرا می‌خواند: ﴿فَأَقْرَأْ مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾.

۲. پیدایش اختلاف قرائات

اما اصطلاح قرائات - جمع قرائت - متأخر از نزول وحی است و در عصر صحابه و تابعین، به تدریج شکل گرفت. اختلاف قرائات حاکی از قرائت‌های گوناگون و مختلفی از قرآن است که به سبب عواملی، این رخداد ناگوار در میان مسلمانان رواج یافت. در حقیقت، کلام وحی به یک طریق و قرائت بر رسول اکرم (ص) نازل می‌شد. شخص ایشان نیز همان قرائت و نص واحد را بر مسلمانان ابلاغ می‌فرمود. ما معتقدیم که معصومین علیهم السلام هم بر همان قرائت پایبند بودند و با اشاراتی به پیروانشان سعی در پالایش هرگونه اختلافی داشتند. امام باقر (ع) فرمودند: «إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَلَكِنَّ الْإِخْتِلَافَ يَجِيءُ مِنْ قَبْلِ الرَّوَاةِ» (کلینی، کافی، ج ۲: ۶۰۱). در برابر این دیدگاه گروهی معتقدند که در زمان نزول وحی، اختلاف قرائات بوده و این امر به دستور شخص پیامبر اکرم صورت گرفته است. آنچه ناظر به این طرز تفکر گشته همان حدیث معروف «نَزَلَ الْقُرْآنُ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ» می‌باشد که سیوطی در «الاتقان» آن را از بیست و یک صحابی نقل کرده و متواتر می‌داند اگرچه در مصداق سبعة احرف تا چهل مورد را نقل می‌کند (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن: ۱۲۳). توجیه سبعة احرف: قول غالب در میان آراء قرآن‌پژوهان اهل سنت، قرائات مختلف است هر چند که اختلاف لهجه نیز قابل دفاع است (حجتی، پژوهشی در تاریخ قرآن: ۲۷۹)؛ امام صادق علیه السلام در موضع گیری صریحی در برابر این روایت ساختگی می‌فرماید: «كَذَبُوا أَعْدَاءُ اللَّهِ لَكِنَّهُ نَزَلَ عَلَى حَرْفٍ وَاحِدٍ مِنْ عِنْدِ الْوَاحِدِ» (کلینی، کافی، ج ۲: ۶۰۱). این حدیث لا اقل دلالت قرائات مختلف قرآن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مأخوذ از حدیث سبعة احرف را رد می‌کند، و مؤکداً بیان می‌دارد که وحی

الهی به یک قرائت بر نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل گشته و ایشان هم به همان صورت آیات را بر مسلمانان اقرار فرموده‌اند. به هیچ وجه مسأله قرائت در زمان حضور پیامبر بین مسلمانان مطرح نبوده است. به هر حال از آن جایی که قرائت قرآن یکی از مهم‌ترین تعامل‌های مسلمین با کتاب الهی بود و آیات و روایات فراوانی، مردم را به این مهم ترغیب و تشویق می‌کرد از همان ادوار نخستین، پیوسته عده‌ای متکفل این مسئولیت، و عهده‌دار قرائت و تعلیم قرآن در جامعه اسلامی بودند، افرادی چون عبدالله بن مسعود، اُبی بن کعب، ابو الدرداء، زید بن ثابت، عبدالله بن عباس، ابوالاسود دؤلی، علقمة بن قیس و ابوعبدالرحمن سلمی را می‌توان از اولین طبقات قراء صحابه و تابعین برشمرد (همان: ۱۷۰).

عدم وجود نام مبارک امیر المؤمنین علیه السلام بین این افراد، غیر قابل مقایسه بودن ایشان با دیگران است و او مرجع همه صحابه و اعلم آن‌ها به قرآن بود و شایسته نیست که آن حضرت را هم طراز دیگران آورد.

صحابه قاری، آیات را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌شنیدند و در حافظه خود ضبط می‌کردند و حتی در صورت نگارش، ملاک و معیار حافظه‌ها بود. به علاوه در صورت اختلاف قرائت بین صحابه، شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فصل الخطاب بودند و قرائت صواب را اقرار می‌فرمودند.

اما پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و کشته شدن بسیاری از حافظان قرآن در جنگ‌ها، کم کم مصاحف و قرائت‌های بزرگان صحابه و تابعین، محوریت پیدا کرد و اختلاف قرائت پدیدار گشت. باید پذیرفت که اختلاف لهجه‌ها امری اجتناب ناپذیر است و همانگونه که امروزه بین شهرها و روستاهای مجاور و حتی در میان قبائل اختلاف لهجه‌ها نمایان است، در روزگار نزول وحی نیز مسلماً لهجه مردم مکه، مدینه، طائف و نیز قریش، تمیم، ثقیف و ... با یکدیگر متفاوت بوده است؛ به نظر می‌رسد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این اختلاف لهجه‌ها را در قرائت قرآن جایز شمرده باشد و نباید فراموش کرد که منظور از اختلاف لهجه‌ها، تفاوت‌هایی در اماله، فتح، نقل و حذف، سکت و چیزهای دیگری از این دست است و الا تغییر صیغه‌ها، حذف و جایگزینی حروف و کلمات هرگز قابل دفاع نخواهد بود. با این حال باز یادآور می‌شویم که قرآن

کریم تنها به یک قرائت و لهجه بر حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلم نازل گشته است.

گفتار دوم: حقیقت قرآن و عدم تحریف آن

۱. حقیقت قرآن و جمع عثمان

بر طبق قرائن موجود، آنچه عثمان جمع کرد قرآنی بود که کسی بر آن ایرادی نگرفت و مقبول صحابه واقع شد. حتی برخی معتقدند که امیر المؤمنین علیه السلام نیز آن را تأیید کرده است (حجتی، پژوهشی در تاریخ قرآن: ۴۴۴).

همچنین امامان دیگر نیز بر آنچه ما بین الدفتین جمع کرده صحّه گذارده‌اند که این در اشارات امامان علیهم السلام نمایان است: «عن سفیان بن السمط قال: سألت أبا عبدالله عليه السلام عن تنزيل القرآن قال: أقرؤوا كما علمتم» (کلینی، کافی، ج ۲: ۶۰۲).

بنابراین تا پایان امامت امام حسن عسکری علیه السلام در ۲۶۰ هجری و حتی تا پایان غیبت صغری در ۳۲۹ ق اهتمام معصومین علیه السلام را به مصحف موجود در بین مسلمانان شاهدیم. هرچند خبرهای واحدی از معصومین علیهم السلام در قرائتی مغایر با قرائت رایج در مورد برخی کلمات وجود دارد اما علما به دلیل تعارض آن اخبار آحاد با نص متواتر مصحف موجود، آن‌ها را مردود می‌دانند (نجار زادگان، سلامة القرآن من التحریف: ۷۵).

باید اضافه کرد که حتی احادیث وارده در باب ختم قرآن و فضیلت سوره‌ها نیز خود گواه بر صحت و انطباق مصحف زمان ائمه علیهم السلام با وحی منزل بوده است. همچنین تعامل بزرگان با این قرآن هم در همه اعصار به دید وحی منزلی بوده که جز در ترتیب نزول اختلاف دیگری با قرآن حقیقی نداشته است. بنابراین باید اذعان کرد که آنچه در بین مسلمانان متداول شد، همان نص کلام الهی و حقیقت قرآن بود.

۲. حقیقت قرآن در میان قرائات مختلف

ابن مجاهد در اوائل قرن چهارم قرائات مختلف را در هفت قرائت خلاصه کرد. از جمله ملاک‌های او برای انتخاب این هفت قاری شهرت، معروفیت در فقاہت، امانت در

نقل، دینداری، عالم بودن، پیشکسوتی در قرائت، اجماع مردم بر عدالت او، شهرت در امامت بر مردم، انطباق قرائت با رسم المصحف و اسناد لفظی و سماعی قرائت است (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱: ۴۰۶).

بنابراین ظاهراً این هفت قاری، افرادی بوده‌اند که قرائتشان نزدیک‌ترین قرائت‌ها به حقیقت قرآن بوده است. لذا همین که در برابر او موضع‌گیری نشد و کسانی در صدد ردّ این هفت قرائت و جایگزینی قرائت‌های دیگر بر نیامدند، و اتفاقاً کتاب‌های دیگری در همین راستا نگاشته شد، نشان از مقبولیت عمومی به این هفت قرائت است. قرائت عاصم به روایت حفص از بیش‌ترین شهرت برخوردار شد که البته توجیهاتی در این باره ذکر کرده‌اند (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۲: ۲۲۱).

مصحف‌های قدیمی که بعضاً در موزه‌ها نگهداری می‌شوند هم بر اساس همین قرائت مشهور است و بر این اساس حدود سی سال است که عربستان سعودی صدها میلیون نسخه، قرآن‌هایی به روایت حفص از عاصم چاپ و به سراسر دنیا ارسال می‌کند (العوفی، کتابة المصحف الشریف وطباعته: ۱۴۴). توجه به این نکته ضروری است که به هنگام نزول آیات الهی، مسلمانان بیش از نگارش، کلام الهی را در حافظه خود نگهداری می‌کردند و با برخورداری از قوه ضبط فوق‌العاده، آیات کلام الله را عیناً به نسل پس از خود منتقل می‌کردند و این نقل سینه به سینه که بسیار فراتر از حد تواتر بود نسل بعد نسل ادامه داشت و این چیزی نبود که دستخوش تغییر و تحریف شود چراکه مسلمانان همچون جان خود از آن محافظت می‌کردند. بر مبنای این قرائن می‌توان نتیجه گرفت که به نظر می‌رسد حقیقت قرآن یا همین روایت مشهور است و یا در بین قرائت سبع باید دنبال آن گشت اما اینکه دقیقاً بتوان به آن دست یافت، شاید ادعای بزرگی باشد.

۲. تحریف و انواع آن

تحریف از ریشه «حرف» (به معنای لبه، کناره و مرز یک چیز) در لغت، به معنای مایل کردن و منحرف کردن و دگرگون ساختن است (زمخشری، اساس البلاغة: ۱۳۲)، در دسته‌بندی کلی، تحریف هر سخنی از جمله تحریف قرآن را می‌توان به دو نوع تحریف معنوی و تحریف لفظی تقسیم کرد.

۴. تحریف معنوی

مقصود از تحریف معنوی، برداشت انحرافی از معنای کلام یا تفسیر و توجیه سخنی، بر خلاف مقصود گوینده آن است. این نوع تحریف، قطعاً نسبت به قرآن صورت گرفته است. حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه از وقوع چنین تحریفی در زمان خویش، به خدا شکوه می‌برد (نهج البلاغه، خطبه ۱۷) و از وقوع آن در آینده نیز خبر می‌دهد (همان، خطبه ۱۴۷). قرآن مجید نیز از وقوع این نوع تحریف در کتاب‌های آسمانی گذشته در آیاتی یاد کرده است:

﴿يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ﴾ (نساء/۴۶)

«کلمات الهی را از جایگاه‌هایش منحرف می‌سازند»

﴿يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ﴾ (مائده/۴۱)

«کلمات الهی را پس از (استقرار) در جایگاه‌هایش منحرف می‌کنند»

﴿وَيُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ﴾ (بقره/۷۵)

«سخن خدا را پس از آنکه دریافته‌اند، تحریف می‌کنند»

۵. دلایل عدم تحریف قرآن

الف) دلایل عقلی

۱. ضرورت اتمام حجت

ضرورت ابلاغ احکام الهی و اتمام حجت بر مردم از برنامه‌های رسالت پیامبران است که قرآن بر آن تأکید کرده است و خداوند بر اساس چنین حکمتی است که پیامبران را برای هدایت و ابلاغ پیام‌های الهی به سوی مردم گسیل داشته است و کتاب‌های آسمانی نیز چنین وظیفه‌ای را بر عهده دارند؛ یعنی با ابلاغ اوامر و نواهی خداوند، حجت را بر مردم تمام می‌کنند. قرآن در این باره می‌فرماید:

﴿لِيُهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ﴾ (انفال / ۴۲)

«تا کسی که [باید] هلاک شود، با دلیلی روشن هلاک گردد و کسی که

[باید] زنده شود، با دلیلی واضح زنده بماند»

حال اگر کسی تحریف را هرچند به معنای کاستی در آیات قرآن احتمال دهد، حجیت قرآن مخدوش می‌شود و حیثیت هدایت‌گری آن زیر سؤال می‌رود؛ زیرا احتمال تحریف به کاستی به معنای در دسترس قرار نگرفتن بخشی از پیام‌های الهی است، و با حذف بخشی از آموزه‌ها همه آن‌ها از حجیت ساقط می‌گردد. حال اگر بر این استدلال بیفزاییم که معمولاً آیاتی مورد تعرض و تحریف قرار می‌گیرند که از حساسیت بالایی برخوردار باشند و یا ویژگی منحصر به فردی داشته باشند که با تصور این مطلب، دلیل عقلی یادشده بیش از پیش جلوه‌گری می‌کند. خاتمیت دین اسلام و پیامبر گرامی (ص) و ضرورت وجود حجت الهی و پیام آسمانی تا پایان دنیا، این دلیل را مستحکم می‌نماید.

۲. اعجاز و تحریف ناپذیری قرآن

اعجاز قرآن نظریه تحریف را هم در زیاد و هم در کاستی باطل می‌گرداند. تحریف به افزودن بر قرآن به دلیل اتفاق علمای شیعی و سنی بر بطلان آن، بی‌نیاز از هرگونه توضیح است، ولی در خصوص تحریف به نقصان، اعجاز قرآن به دو گونه احتمال تحریف را از میان برمی‌دارد: اول: می‌دانیم که قرآن به آوردن حتی سوره‌ای کوتاه تحدی کرده است. حال با فرض تحریف به کاستی، این هم‌آوردطلبی ناتمام می‌ماند، زیرا مبارز می‌تواند ادعا کند که شاید بتوان با سوره‌های حذف شده هم‌آوردی کرد، هرچند هم‌آوردی با سوره‌های موجود منتفی باشد، و همین احتمال اعجاز قرآن را مخدوش می‌سازد. دوم: یکی از مواردی که قرآن بر اعجاز خود تأکید کرده، نفی اختلاف میان آیات متعدد آن است. حال با فرض کاستی، ممکن است ادعا شود که در بخش‌های حذف شده تناقض‌های آشکار و ناهماهنگی وجود داشته است. بنابراین با فرض تحریف به کاستی، این وجه اعجاز نیز مجال ظهور و تمامیت نمی‌یابد.

ب) دلایل نقلی

۱. قرآن

آیاتی از قرآن بر تحریف ناپذیری قرآن دلالت دارند؛ از جمله:
آیه حفظ:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (حجر / ۹)

«ما قرآن را فرو فرستادیم و خود از آن نگهداری و محافظت می‌کنیم»

این آیه به صراحت و با تأکیدهای متعدد بر حفظ قرآن از هرگونه تحریف (به دلیل اطلاق آیه) دلالت دارد. درباره این آیه لازم است به نکات ذیل توجه شود:

- اثبات تحریف ناپذیری قرآن با قرآن مانعی ندارد، زیرا هیچ کس در صحت آیات موجود قرآن شک نکرده است؛ بنابراین با استفاده از همین آیه، همه آیات از شبهه تحریف خارج می‌شوند.

- برخی ممکن است بگویند این آیه شامل دوران غیبت نمی‌شود، زیرا قرآن اصلی نزد امام زمان (ع) محفوظ است؛ یعنی هم آیه درست است و هم می‌توان قائل به تحریف شد. در پاسخ گفته می‌شود اولاً: قرآن برای هدایت عموم نازل شده و اینکه در لوح محفوظ یا نزد امام عصر (ع) محفوظ باشد، با عمومیت آن منافات دارد (به ویژه که پیش‌تر گفتیم با فرض تحریف، اساساً اعجاز قرآن نیز زیر سؤال خواهد رفت)؛ بنابراین این ادعا نمی‌تواند از جایگاه استواری برخوردار باشد. ثانیاً: ظاهر آیه اطلاق دارد به زمان و شخص خاصی مقید نشده است؛ از این رو فرض حفظ آن به وسیله یک شخص و تحریف آن در یک دوره، با اطلاق منافات دارد، و اساساً باید دانست که اینگونه حفظ کردن از شأن ادعای صریح و همراه با تأکیدهای متعدد در آیه حفظ به دور است. چنین حفظ کردنی اساساً نیاز به چنین ادعایی ندارد. ثالثاً اهل بیت (ع) یکی از راه‌های اثبات حجیت یا ترجیح یک روایت بر روایتی دیگر را معارض بودن یا هم‌آهنگی بر عدم تعارض با آیات قرآن بیان کرده‌اند؛ حال با فرض تحریف چگونه می‌توان به عرضه کردن روایات بر آیات نایل شد؟! شاید آیه‌ای که از قرآن حذف شده با این روایت معارض باشد، بنابراین هیچ‌گاه نمی‌توان با فرض تحریف، بر نتیجه عرضه روایات بر آیات اطمینان یافت.

آیه نفی باطل

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّ لَهُمْ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ ۚ لَا يَأْتِيهِ الْبَطْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ

خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾ (فصلت / ۴۱ - ۴۲)

«کسانی که به این ذکر [قرآن] هنگامی که به سراغشان آمد، کافر شدند
[نیز بر ما مخفی نخواهند ماند] و این کتابی است قطعاً شکست ناپذیر که

هیچ‌گونه باطلی نه از پیش رو و نه از پشت سر به سراغ آن نمی‌آید؛ چراکه از سوی خداوند حکیم و شایسته ستایش نازل شده است»
اگر کتابی در اثر شبهه یا تحریف نابود شود یا از حیثیت انتفاع ساقط گردد نفوذپذیر بوده و عزیز نیست، و تنها در صورتی به طور مطلق عزیز است که از همه‌گزندها مصون بماند.

گفتنی است عکس «لَا يَأْتِيهِ الْبَطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ» زمانی تحقق می‌یابد که تحریف لفظی رخ می‌دهد؛ زیرا در فرض تحریف معنوی باطل به قرآن راه نمی‌یابد. در واقع تفسیر و رأی باطل در کنار تفسیر صحیح خود می‌نمایاند و به افول می‌گراید، ولی اگر لفظ تحریف شود، آنچه در میدان مجال بقا می‌یابد، تنها باطل است، چه اینکه تفسیر و آموزه صحیح در فرض تحریف پایه و اساسی ندارد که با اتکای به آن برقرار باشد.

افزون بر دو آیه یادشده، به آیات دیگری نیز استدلال شده است که به جهت رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری می‌کنیم.

۲. روایات

بسیاری از روایات اسلامی بر عدم تحریف به زیاد شدن و تغییر معارف و آموزه‌های قرآن دلالت دارند که حدیث ثقلین و احادیث عرضه روایات (به منظور ارزیابی آنها) بر آیات از آن دسته‌اند.

در این میان روایات عرضه بر قرآن، افزون بر تغییر و افزایش، تحریف به کاستن را نیز شامل می‌شود، زیرا در فرض کاستن شدن از آیات ما نمی‌توانیم به قطع دریابیم که روایتی با آیات قرآن در تعارض نیست. *آیه الله جوادی آملی* در این باره آورده است: «از روایات عرضه می‌توان برای اثبات مصونیت قرآن از تحریف به دو گونه استفاده کرد: ۱. بر اساس این روایات، قرآن معیار بازشناخت روایات صحیح از ناصحیح معرفی شده است و معیار «مقیس علیه» می‌بایست قطعی باشد و با احتمال تحریف در قرآن نمی‌توان از قرآن برای ترجیح روایات در مقام تعارض بهره جست، زیرا چنین کاری به معنای استناد به دو لا حجت برای ترجیح یکی از دو روایت متعارض بر دیگری است که عقلاً قبیح

است. ۲. از روایات عرضه می‌توان نتیجه گرفت که روایات دال بر تحریف فاقد حجیت‌اند، زیرا طبق روایات عرضه وقتی روایاتی که ظاهرشان بر تحریف دلالت دارند، بر قرآن عرضه شوند، مخالف آیات قرآن خواهند بود؛ چون چنانکه گذشت برخی از آیات به خوبی بر پیراستگی قرآن از تحریف دلالت دارند؛ پس روایات تحریف فاقد حجیت‌اند. حتی اگر معارض هم نداشته باشند».

۳. تواتر و شهرت قرآن

مسلمانان اتفاق نظر دارند که قرآن نسل به نسل از پیامبر نقل شده و به وسیله حفظ و قرائت مستمر آن و نیز کتابت آن و جز این‌ها از هرگونه تحریف مصون مانده است. این نظر بین دانشمندان شیعی و سنی شهرت دارد و بسیاری بر آن تصریح کرده‌اند. افزون بر تصریح بزرگان، شواهدی تاریخی نیز بر اهتمام مسلمانان به حفظ قرآن از هرگونه تحریف دلالت دارند. در این خصوص به دو نمونه اشاره می‌نماییم:

نمونه اول: سیوطی در «الدر المنثور» آورده است: «هنگام کتابت مصاحف در زمان عثمان، اشخاصی می‌خواستند حرف «واو» را در آیه ﴿وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ﴾ حذف کنند. در این هنگام ابی‌بن‌کعب اعلام کرد: یا «واو» را سر جایش می‌گذارید یا شمشیر می‌کشم و با شما به جنگ می‌پردازم. آن‌ها دیدند سخن از شمشیر است، حرف «واو» را سر جایش گذاشتند».

نمونه دوم: همو در ذیل آیه ۱۰۰ توبه آورده است: «عمر اعتقاد داشت که در آیه ﴿وَالسَّبِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَنٍ﴾ «واو» نباید در «والذین» باشد و آیه می‌بایست چنین قرائت می‌شد: «وَالسَّبِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَنٍ»؛ در این صورت «الانصار» به صورت مرفوع خوانده شده، بر «المهاجرین» عطف نخواهد شد - او شاید می‌خواست بگوید: تنها مهاجران سابقان اولین هستند، زیرا خودش از مهاجران بود و انصار جزء این دسته نیستند؛ بلکه جزء تابعان‌اند - در این هنگام زید بن ثابت گفت: آیه با واو است نه بدون واو، و به عمر گفت: «والذین» درست است نه «الذین». عمر گفت: «الذین» بدون واو درست است. زید گفت: شما با فشار و زور می‌گویید، حال ما چه بگوییم!

عمر گفت: *ابی بن کعب* را حاضر کنید تا نظر او را بدانیم. وقتی *ابی* آمد، عمر موضوع را از او پرسش نمود و *ابی بن کعب* گفت: «والذین» درست است نه «الذین». با این سخن، عمر دیگر مخالفتی نکرد» (الدرالمنثور، ج ۳: ۲۶۹).

سیوطی این جریان را به صورت دیگری نیز نقل کرده است (همان).

این گونه آگاهی و پافشاری نسبت به الفاظ قرآن کاملاً فراگیر بود و به دلیل وجود حفاظ و قریب العهد بودن نزول قرآن، تا زمان عثمان و پس از او نیز بر جای ماند. گفتنی است شبیه تحریف تنها به دو سه دهه اول پس از رحلت مربوط می‌شود و هیچ کس، حتی قائلان به تحریف، نسبت به عدم تحریف قرآن پس از توحید مصاحف در زمان عثمان هیچ شکی ندارد؛ با این وصف، عدم تحریف قرآن امری مسلم به شمار می‌رود.

با توجه به اینکه قرآن کریم پس از رسول اکرم (ص) اعراب گذاری شده است، چگونه می‌توان یقین کرد که اعراب گذاری درست انجام شده باشد؟

تا نیمه اول قرن اول هجری قمری، یگانه راه قرائت قرآن سماعی بوده است. قاریان و حافظان فراوانی، قرائت خویش را سینه به سینه از قاریان پیش از خود می‌گرفتند و سند این قرائت‌ها به قاریان مشهور صدر اسلام و پیامبر اکرم (ص) و حضرت امیرالمؤمنین (ع) می‌رسید. در این مدت دراز، قاریان فراوانی پرورش یافتند که بعدها خود، حامل قرائت صحیح قرآن و نگهبان آن شدند.

در اوایل نیمه دوم قرن اول هجری قمری که پای بیگانگان ناآشنا به زبان عربی در اجتماع اسلامی باز شد، به وضع علایم و نشانه‌هایی برای کلمات قرآن نیاز مبرم احساس گردید و در همان سال‌ها بود که یکی از شاگردان حضرت علی (ع) به نام ابو‌الاسود دوئلی اعراب گذاری قرآن را عهده‌دار شد و این کار را با دقت فراوانی به انجام رساند. ابو‌الاسود علاوه بر تسلط به قرائت قرآن، به زبان عربی و قواعد آن تسلط کافی داشت و او بود که به اشاره و راهنمایی حضرت علی (ع) به تدوین علم نحو همت گماشت (دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵: ۱۸۲-۱۹۰ (مدخل ابو‌الاسود)). اضافه بر آن، اعراب گذاری او دور از دید قاریان و حافظان قرآن نبود؛ به طوری که جلوی هرگونه اشتباه و خطای احتمالی را می‌بست. اعراب گذاری ابو‌الاسود گرچه به کار ناآشنایان به زبان عربی فصیح و قرائت قرآن می‌آمد، ولی قاریان و حافظان بسیاری بودند که همچنان بر اساس شنیدن

از قاری قبل، به قرائت قرآن می‌پرداختند؛ چنانکه می‌بینیم قاریان مشهور تاریخ قرائت هر یک سندی قرائتی دارند؛ یعنی قرائت آن‌ها به قاریان مشهور صدر اسلام و خود پیامبر گرامی اسلام (ص) و یا حضرت علی (ع) که او نیز از پیامبر (ص) گرفته بود می‌رسد؛ گرچه برخی از سندها از اعتبار بیش‌تری برخوردار است، مانند روایت حفص از عاصم که قرائتی شیعی است؛ بنابراین در اعراب گذاری بعدی (استنساخ از اعراب گذاری ابو‌الاسود و تکامل آن) همواره اعراب گذاری با قرائت‌های مقبول تطبیق داده می‌شده تا اعراب قرآن به حد تکامل خویش رسید و علایمی مانند سکون، تشدید، مد و غیر آن‌ها نیز بدان اضافه شد (همان: ۱۷۴ و ۱۷۵).

۶. تحریف لفظی و انواع آن

مقصود از تحریف لفظی تبدیل یا کاهش و افزایش الفاظ سخن گوینده است. انواع تحریف لفظی عبارت‌اند از:

۱. تحریف در قرائت قرآن: یعنی کلمه‌ای بر خلاف قرائت متداول بین عموم مسلمانان تلاوت گردد. این نوع تغییر رخ داده، ولی به تحریف قرآن نینجامیده است.
۲. تحریف در نحوه ادای کلمات: مانند لهجه‌های قبایل عرب که هنگام تکلم در نحوه حرکات و ادای یک حرف یا کلمه با هم اختلاف داشتند. این اختلاف مادامی که بنای اصلی کلمه فرد نباشد و معنایش دگرگون نشود، رواست، ولی اگر موجب خطا شود و با قواعد عربی ناسازگار باشد، مجاز نیست؛ همچنین اگر تحریف در لهجه موجب تغییر در معنای کلمه گردد جایز نیست.
۳. تحریف به تبدیل کلمه: این نوع تحریف نیز نیست و در طول تاریخ اسلام نیز رخ نداده و اگر هم از سوی بعضی چنین تغییراتی انجام شده باشد، در حاشیه و حالت انزوا بوده و با گذر زمان به طور کلی از میان رفته است و جز خاطره، هیچ اثری از آن باقی نمانده است.
۴. تحریف به زیادت: این نوع تحریف به اتفاق دانشمندان و مفسران رخ نداده و اگر کلمه یا عبارتی در برخی روایات نقد شده که بین آیات آمده، توضیح و تفسیرهایی بوده که مفسر یا راوی برای آگاهی مخاطبان‌ش بر آیه افزوده است (مانند تفسیرهای مزجی).

۵. تحریف به کاستی: یعنی چیزی از قرآن حذف و ساقط شده باشد. این نوع تحریف محل بحث است و به اعتقاد اکثر قریب به اتفاق علمای شیعه و سنی و محققان قرآن پژوه و نیز به دلایل عقلی و نقلی و تاریخی رخ نداده است (انفال / ۴۲).

تحریف لفظی نیز اگر به معنای عدم رعایت ترتیب نزول آیات و سوره‌ها در مقام نگارش و قرائت آن‌ها باشد، مسلماً در مورد قرآن تحقق یافته است؛ به این معنا که آیات و سُور قرآنی موجود، در موارد بسیاری بر طبق ترتیب نزول تدریجی آن تنظیم نشده است؛ البته می‌دانیم که، قرآن نازل شده بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از زمان نزول تا کنون نه مفقود شده و نه بر آن مطلبی افزوده شده است، بلکه همواره بین مسلمانان نوشته و حفظ می‌شده و با تواتر قطعی بی‌ظنیری، نسل به نسل قرائت شده تا به دست ما رسیده است. این مسأله از مسلمات تاریخ و مورد اتفاق و قبول مسلمانان، بلکه اکثر دانشمندان غیر مسلمان است.

اما اگر مقصود از آن، تغییر در اعراب کلمات، یا دگرگون شدن الفاظ آیات (جابه‌جایی یا تغییر الفاظ آن‌ها) و یا کاستی برخی آیات، کلمات و حروف قرآن مجید در عین محفوظ ماندن اصل آن (از بین رفتن کل قرآن به عنوان یک کتاب) باشد، این گونه تغییر و تحریف مورد اختلاف و محل نزاع است که بر این اساس، اختلاف قرائت را برخی در عداد تحریف برشمرده‌اند (الدر المنثور، ج ۳: ۲۶۹).

دفع شبهه تحریف

برای اثبات مصونیت قرآن از تحریف دلایل قرآنی، عقلی و مستندات روایی و شواهد تاریخی متعددی ذکر شده که به فراخور بحث چند دلیل اساسی در دفع شبهه تحریف را اجمالاً برمی‌شمریم:

الف- گواهی تاریخ: قرآن کریم از روز نخست مورد توجه و عنایت پیامبر (ص) و مسلمانان بوده و همگان به حفظ و صیانت از کلام الله اهتمام وافری داشته‌اند.

ب- ضرورت تواتر قرآن: لازم است این مهم‌ترین متن دینی خاتم الادیان از هرگونه تحریف مبری باشد و این امر آن قدر مهم است که باید در هر عصری تعداد معتنا به از مسلمانان نسل به نسل آن را نقل کرده باشند و از آن پاسداری نمایند.

ج- مسأله اعجاز: روشن است که در صورت تحریف، اعجاز و تحدی قرآن ساقط می‌شود و این با رسالت آخرین کتاب آسمانی منافات دارد.

د- ضمانت الهی: خود خداوند متعال در قرآن وعده حفظ آن را داده است. ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾

ه- عرضه روایات بر قرآن: از آنجا که در احادیث ملاک و معیار تشخیص احادیث صحیح از ناصحیح قرآن معرفی شده است، در صورت تحریف، ضابطه اصلی تشخیص روایات صحیح از حیّز انتفاع ساقط خواهد شد.

و- نصوص اهل بیت علیهم السلام: احادیث فراوانی از جانب معصومین علیهم السلام صحت و سلامت قرآن را تأیید می‌کند، در عین اینکه خود قرآن هم، به وجود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اولی الامر صحّه می‌گذارد (معرفت، تحریف ناپذیری قرآن: ۲۳-۲۷).

ز- وجدانی: هر آینه انسان با قلبی سلیم به تلاوت قرآن کریم بپردازد، می‌یابد که این کلام، سخنی مافوق کلام بشر است و از ابتدا تا انتهایش در طراوت و زیبایی، در فصاحت و بلاغت و در نورانیت و هدایتگری یکسان و بی‌نظیر است.

تمام اندیشمندان مسلمان، راهیافت تحریف لفظی از نوع کاستی و فزونی در قرآن را با استناد به ادله مختلف عقلی و نقلی مردود دانسته‌اند. در حالی که عموم آنان در آثار قرآنی، حدیثی، کلامی، فقهی و تاریخی از قرائت‌های مختلف با نگاه مثبت سخن به میان آورده‌اند. برخی با استناد به حدیث «انزل القرآن علی سبعة أحرف» (ابن ابی‌الجمهور، عوالی اللئالی، ج ۴: ۱۰۴) کثرت قرائت را امری شرعی و مستند به توسعه رحمت الهی نسبت به بندگان ارزیابی کرده و تا کنون کتاب‌های فراوانی درباره پدیده اختلاف قرائت فراهم ساخته و از چند و چون این اختلاف سخن به میان آورده‌اند و بسیاری از فقیهان فریقین بر جواز قرائت نماز بر اساس قرائت‌های هفتگانه مشهور تصریح کرده‌اند (خویی، البیان فی تفسیر القرآن: ۱۵۳ و بعد). از طرفی همه اندیشمندان مسلمان به یکصدا هر اقدامی را در جهت تحریف و تغییر قرآن حرام و ممنوع می‌دانند و عموم آنان با این نگاه به رغم پذیرش راهیافت خطا در رسم الخط عثمانی، تغییر و تصرف در آن را ناروا اعلام کرده‌اند. چنانکه با انتشار قرآن که سوره‌های آن بر اساس نزول چینش شده باشد

مخالفت می‌کنند. در حالی که همگان روایات ترتیب نزول سوره‌ها را نقل می‌کنند و انتشار چنین مصحفی به معنای راهیافت تغییر در کلمات یا عبارت‌های قرآن نیست.

گفتار سوم: تعارض اختلاف قرائات و عدم تحریف قرآن، راه‌های حل تعارض

۱. تعارض اختلاف قرائات و عدم تحریف قرآن

در صدر اسلام، زبان و لهجه‌ها و گویش‌های مختلف عربی در مناطق گوناگون جزیره العرب و جغرافیای اسلام وجود داشته است؛ که به عقیده عده‌ای (صرف نظر از موضوع تعدد نزول قرآن)، این اختلافات قرائات در برخی از کلمات قرآن، نتیجه همین اختلاف لغات و لهجه‌های عربی و تعدد آن‌ها بوده است که حتی در برهه‌ای، این اختلافات موجب جنگ‌های خونین شده است.

جدای از درستی یا نادرستی این مسایل، آنچه در موضوع نسبت اختلاف قرائات به تحریف قرآن، بسیار مهم است این نکته می‌باشد که؛ در کتب تاریخ قرائات، مراحل و تطورات مختلفی را برای قرائت قرآن از نزول وحی تا دسترسی کنونی آن برشمرده‌اند. حتی برخی تا شانزده مرحله برای این سیر و تطوّر ذکر نموده‌اند.

در هر صورت، این تطورات، به علاوه نواقص و کمبودهای خط عربی در صدر اسلام، تغییراتی در سیر خوانش و نگارش کلام وحی پدید آورد. این تحولات، منجر به ظهور علمی جدید در قرائت قرآن شد و پس از آن نیز، اجتهادِ قرآء به این تغییراتِ خوانش قرآن، دامن زده است.

صرف نظر از دلایل بروز و ظهور قرائات مختلف و گوناگون قرآن، اکنون که ما در پیشگاه قرآن کریم قرار داریم، مواجه با متنِ مستندِ تاریخی، از «مصحفِ امام» نیستیم، و در مقابل ما، قرآن‌هایی موجودند، که هر کدام دارای نگارش‌ها و قرائت‌های خاص خود می‌باشند.

ما به یقین نمی‌دانیم کدام‌یک از این قرائات، قرائتِ پیامبر(ص) یا مورد تأیید ایشان است. از همه مهم‌تر اینکه، تغییر و تحولات قرائات قرآن مختص یک زمان نیست و در دوره‌های مختلف، متکثر شده‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد به صرف تأییداتِ ثانوی حدیثی از معصومین(ع) یا محدثان، نمی‌توانیم حقیقتِ اصلی کلام الهی را از میان این تنوع پیدا

کنیم؛ چراکه این تأییدات، ممکن است مختص به دوران حضور برخی معصومین(ع) بوده باشند؛ اما تعدادی از این قرائات، پس از دوره حضور معصومین(ع) یا تأییدات حدیثی آن‌ها، ایجاد یا ترویج شده‌اند؛ و گفته شده که انحصار قرائات قرآنی، پدیده‌ای مربوط به قرن چهارم هجری می‌باشد.

آنچه اکنون مهم است، چرایی این اتفاقات نیست، بلکه این حقیقت آشکار است که اکنون در مقابل ما، چندین قرائت با اختلافات مشخص، وجود دارند که حتی برخی در تواتر همه آن‌ها مشکوک‌اند(به زودی به این موضوع خواهیم پرداخت) و برخی نیز عقیده دارند؛ قرآن واحد است و نمی‌تواند همه این قرائات، صحیح و از جانب پیامبر(ص) باشند. وجود این اختلاف قرائات، به علاوه منازعات دینی و فرقه‌ای میان اهل سنت و شیعه در دوره‌های مختلف، باعث شده که برخی توهم نمایند که متن قرآن، تحریف شده است. در دو قرن اخیر، شاید نخستین کسی از شیعه که در این زمینه مستقلاً مطلب نوشته و مسأله تحریف را مطرح نموده است، سید نعمت‌الله جزایری(م ۱۱۱۲) می‌باشد. پس از وی، محدث نوری(م ۱۳۲۰) کتاب مستقلی با عنوان «فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب» نوشت و مجموعه روایاتی را در زمینه «تحریف قرآن» عرضه داشت که منتقدان وی تأکید دارند، بیش‌تر آن‌ها شامل روایات اختلاف قرائات در قرآن می‌باشند.

تا کنون کتاب‌های بسیاری در رد این کتاب نگارش شده است. یکی از دلایلی که در این کتاب‌های انتقادی عرضه شده است؛ این مهم است که «اختلاف قرائات، به موضوع تحریف قرآن ربطی ندارد» و یا وجود آن‌ها، هیچ خدشه‌ای بر مصونیت قرآن وارد نمی‌سازد.

به نظر می‌رسد طرح این ادعا به صورت کلی، نمی‌تواند باطل کننده نظر قائلان به تحریف قرآن باشد؛ بنابراین مناسب است که «نسبت اختلاف قرائات به تحریف قرآن»، به صورت ریز موضوعات متنوع و مرتبطی مطرح شود؛ و توسط محققین، مورد پژوهش دقیق قرار گیرد.

چنانکه اشاره کردیم وجود اختلاف قرائات در تاریخ قرآن، دستاویزی برای برخی از پژوهشگران در راستای ادعای راهیافت تحریف در قرآن را فراهم ساخت. ما نیز معتقدیم

که بین اختلاف قرائات و عدم تحریف قرآن تعارض وجود دارد و این تعارض به دلایل ذیل استوار است:

در روایات اهل بیت علیهم السلام میان قرآن و پدیده قرائات تفکیک و اعلام شده که قرآن دارای یک حقیقت واحد است که از سوی خدای واحد فرو فرستاده شد و قرائات پدیده‌ای است که از سوی قاریان رخ نموده است. امام باقر علیه السلام در این باره فرمود: «إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَلَكِنَّ الْاِخْتِلَافَ يَجِيءُ مِنْ قَبْلِ الرُّوَاةِ». برخی از صاحب‌نظران با الهام از این گفتار امام باقر علیه السلام بر جدایی پدیده قرائات با حقیقت قرآن پای فشرده‌اند (خویی، البیان فی تفسیر القرآن: ۱۶۴).

از سویی دیگر، کتابی که به عنوان ریسمان الهی برای رفع اختلاف آمده و عدم راهیافت و اختلاف در آیات (نساء/۸۲) آن از جمله دلایل اعجاز آن بر شمرده شده است، چگونه خود می‌تواند قرائت‌های مختلف را که عموماً زمینه‌ساز انواع برداشت‌ها و تفاسیر مختلف و گاه متناقض شده برتابد!

بزرگانی چون بدرالدین زرکشی در «البرهان»، آیت الله خویی در «البیان» و علامه معرفت در «التمهید» آورده‌اند که «القرآن والقرائات حقیقتان متغائرتان» بدین جهت به رغم آنکه در عموم تفاسیر پیشین به اجمال یا تفصیل از پدیده اختلاف قرائات سخن به میان آمده است و در تفسیری همچون «مجمع البیان» مباحث مفصل و مبسوطی در ذیل عموم آیات در قالب دو محور «القراءة» و «الحجّة» انعکاس یافته به این معنا که امین الاسلام طبرسی در محور نخست اختلاف قرائات آیه را منعکس ساخته، آنگاه در محور «الحجّة» دلایل هر یک از قرائت‌ها را ذکر کرده است.

۲. راه‌های حل تعارض

۱. مهم حجیت قرآن است که با وجود اختلاف در قرائات ساقط نمی‌شود. قرآن کریم اجمالاً به صورت کلی تحریف نشده است. غالباً علما تأکید دارند که قرآن حتی در هیچ حرف و هیچ حرکتی تحریف نشده است اما در مواجهه با قرائات مختلف نمی‌توان اینگونه بر موضع خود اصرار ورزید. به نظر می‌رسد باید پذیرفت که قرآن کریم به صورت کلی تحریف نشده است و کم و زیاد شدن چند حرف و حرکت در اصل و

کلیت کلام الهی خدش‌های وارد نمی‌سازد. به نظر می‌رسد مفهوم کلی قرآن و رسالت هدایتگری آن، همچنین مرجعیت دینی این کتاب با چند مورد تغییر صیغه‌های افعال، کم و زیاد شدن حروف و یا تبدیل کلمات و حرکات خدشه‌دار نمی‌شود و حجیت آن ساقط نمی‌گردد.

به دلیل تواتر نسل به نسل قرآن کریم، ماده، صورت و قرائت کلام الهی به صورت واحد استمرار یافته و هیچ چیزی بر ماده و صورت قرآن تأثیرگذار نبوده و حتی اختلاف قرائت بر صورت قرآن غلبه پیدا نکرده است.

۲. ارائه معنای جدیدی از تحریف یا نگاهی متفاوت به اختلاف قرائت.

اگرچه تقریباً عموم محققان اختلاف قرائت را در عداد موارد تحریف قرآن به حساب نیاورده‌اند اما در این بین هم کسانی چون سید نعمت‌الله جزائری در «منبع الحیاة» و محدث نوری در «فصل الخطاب» اختلاف قرائت را تحریف شمرده‌اند و هم با بررسی‌های صورت گرفته در این نوشتار روشن شد که راه‌گیزی از به حساب آوردن اختلاف قرائت ذیل موضوع تحریف قرآن نیست. برخی نیز با اشاره‌ای به تحریف قرآن درباره اختلاف قرائت از کنار این موضوع سریعاً گذشته‌اند و شاید پذیرش این موضوع برای برخی بسیار سخت و غیر قابل توجیه و انمود می‌کند (مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۱: ۲۰۷).

در تحریف اصطلاحی دو عنصر اصلی وجود دارد: ۱. در تحریف کنش ارادی وجود دارد، به این معنا که محرف از روی عمد و آگاهی دست به تغییر متن می‌زند. از این جهت تحریف با تصحیف متفاوت است. زیرا در تصحیف متن بدون توجه و آگاهی در اثر اشتباه در هنگام استنساخ یا چاپ دچار تغییر می‌شود. ۲. تحریف هماره با نوعی خیانت در نقل صحیح یک گفتار همراه است و محرف از رهگذر تغییر متن به دنبال پنهان ساختن حقیقت یا جایگزینی آموزه و انگاره مورد نظر خود است.

کارکرد این کلمه در قرآن نظریه پیش‌گفته را تأیید می‌کند. در سوره بقره درباره یهود چنین آمده است:

﴿أَقْتَضَمُونَ أَنْ يَوْمَئِذٍ وَقَدْ كَانُوا مِنَ الْكُفَرِ وَقَدْ كَانُوا قَرِيبًا مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرَفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾

«آیا طمع دارید که (اینان) به شما ایمان بیاورند؟ با آنکه گروهی از آنان

سخنان خدا را می‌شنیدند، سپس آن را بعد از فهمیدنش تحریف می‌کردند، و خودشان هم می‌دانستند» (بقره/۷۵)

عبارت «مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» کاملاً نشان می‌دهد که آنان به رغم فهم متن و آگاهی از آنچه خداوند آورده است، آن متن را تغییر می‌دادند. در آیه ۷۹ سوره بقره چنین آمده است:

﴿قَوْلٍ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيُشَارَوْا بِهِ ثُمَّ قَلِيلًا قَوْلٍ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ﴾

«پس وای بر کسانی که کتاب (تحریف شده‌ای) با دست‌های خود می‌نویسند، سپس می‌گویند: این از جانب خداست، تا بدان بهای ناچیزی به دست آرند؛ پس وای بر ایشان از آنچه دست‌هایشان نوشته، و وای بر ایشان از آنچه (از این راه) به دست می‌آورند»

در این آیه شریفه سه نشانه وجود دارد که نشان می‌دهد در تحریف عمد، آگاهی و نیت سوء وجود دارد: ۱. نگاشتن کتاب به دست خود و ادعای نزول آن از سوی خداوند؛ ۲. دنبال کردن بهای ناچیز دنیوی در برابر تحریف؛ ۳. وعده عذاب الهی که طبعاً با وجود علم و قصد سوء قابل توجیه است.

تعریفی که در منابع لغت درباره واژه تحریف آمده نیز وجود دو عنصر گفته شده را تأیید می‌کند. به عنوان نمونه /بن منظور تحریف را به معنای تغییر دانسته و می‌گوید: تحریف در قرآن به معنای تغییر کلمه از معنای آن است. زبیدی نیز تحریف را به معنای تبدیل و تغییر دانسته است. در «فرهنگ فارسی معین» تحریف به معنای تبدیل، تغییر کلام از وضع، طرز و حالت اصلی آمده است.

این در حالی است که در قرائات دو عنصر آگاهی و قصد سوء وجود ندارد. به این معنا که هیچ یک از پدیدآورندگان قرائت‌های مشهور و غیر مشهور از یک سو ادعا نکرده‌اند که از قرائت صحیح و قرائتی که به طور قطع از پیامبر نقل شده اطلاع داشته و در عین چنین آگاهی‌ای، قرائتی دیگر را پیشنهاد کرده‌اند. از سویی دیگر هیچ کس حتی آن دسته از خاورشناسانی که وجود قرائت‌های مختلف را به معنای راهیافت تحریف در قرآن دانسته‌اند، ادعا نکرده‌اند که پدیدآورندگان قرائت‌ها قصد تبدیل و تغییر در متن قرآن را

داشته‌اند. تاریخ زندگی قاریان بزرگ از نظر تمام تراجم نگاران نشانگر آن است که آنان اندیشمندانی مسلمان بوده‌اند که عمر خود را در نشر ترویج قرآن صرف کرده بودند. البته در آنجا که برخی از قرائت‌ها را از روی اجتهاد قاریان دانسته‌اند تلویحاً از قاریان به دلیل دخالت دادن دیدگاه‌های شخصی در قرائت قرآن انتقاد شده است. اما در این دست از موارد نیز کسی مدعی نیست که آنان از روی آگاهی به قرائت قطعی قرآن و به هدف تبدیل و تغییر در متن وحی دست به چنین اقدامی زده‌اند. شاید آنان کار خود را از نوع تفسیر قرآن قلمداد می‌کرده‌اند؛ یعنی گمان می‌کردند که در قرائت قرآن به سان تفسیر، اجتهاد راه می‌یابد. هرچند چنین نگاهی نادرست ارزیابی می‌شود، اما به سان اشتباه یک مفسر در تفسیر یک آیه، نمی‌توان لزوماً آن را به معنای گامی در جهت تحریف و تبدیل متن قرآن تلقی کرد.

چنین برخوردی نشان از آن دارد که اگر در پدیده اختلاف قرائت عناصر معنایی تحریف تحقق می‌داشت، هیچ‌گاه با این پدیده این چنین با نگاه مثبت برخورد نمی‌شد. بنابراین چاره‌ای جز ارائه معنای جدیدی از تحریف نداریم، به گونه‌ای که اختلاف قرائت را شامل نشود و یا این اختلاف قرائت را به نحوی بیان کنیم که تحریف شمرده نشود. شاید اگر اختلاف قرائت را تا زمانی که آیه عذاب به آیه رحمت یا آیه رحمت به آیه عذاب تبدیل نشود جایز بدانیم دیگر در دام تحریف قرآن نخواهیم افتاد.

۳. باید میان اقدام به تحریف قرآن با راهیافت تحریف در آن تفاوت قایل شد. چنانکه باید میان اقدام به تحدی با قرآن با ارایه گفتاری نظیر قرآن فرق گذاشت. آنچه که از ادله عقلی و نقلی نظیر آیه حفظ می‌توان دریافت این است که به یمن حفاظت و مراقبت الهی هیچ‌گاه در قرآن تحریف و تغییر راه نمی‌یابد. مفاد صریح آیه نفی باطل همین نکته است آنجا که آمده است:

﴿وَإِنَّ لِكِتَابٍ عَزِيزٍ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾
(فصلت/۴۱ و ۴۲)

اما این امر بدان معنا نیست که هیچ اقدامی در جهت تحریف قرآن انجام نمی‌گیرد. باری، ممکن است در گذشته اقداماتی برای تبدیل و تغییر در قرآن انجام گرفته یا در آینده انجام گیرد، آنچه در این بین مهم است تأکید بر ناکامی این دست از اقدامات زبونانه است. یعنی خداوند کاری می‌کند که هیچ‌گاه این دست از تلاش‌ها راه به جایی

نبرد. درباره پدیده قرائات به این معنا می‌رسیم که اگر بر فرض بپذیریم که قصد قاریان ایجاد تغییر و تحریف در متن قرآن بوده است، چنین قصدی زمانی امکان تحقق خارجی می‌یافت که با صرف نظر از جهان قاریان و اختلافات آنان در باره قرائت فلان آیه، متن شسته و رفته و کاملی از قرآن در میان مردم وجود نداشته و در اثر خطای قاریان و یا قصد سوء آنان، متن اصلی قرآن دستخوش تغییر و تبدیل می‌شد.

به استناد ادله تاریخی و روایی، قرآن طبق قرائت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که حفص از طریق عاصم و او از طریق حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام آن را روایت کرد، آنچنان در میان مردم شایع و رایج شد که دیگر جایی برای کشانده شدن اختلاف قرائات در میان مردم جز در مناطق و دورانی محدود باقی نگذاشت.

نتیجه بحث

در انتهای کلام باید اظهار کنیم که گفته برخی پژوهشگران مبنی بر آنکه اختلاف قرائات به معنای وجود اضطراب در متن قرآن است یا آنکه مستلزم تدوین قرآن در سده دوم و سوم است، بی اساس خواهد بود؛ زیرا این دست از شبهات بر مبنای یکی انگاشتن پدیده قرائات با قرآن شکل گرفته است. اما با امعان نظر به دو نکته که اولاً قرآن یک حقیقت و قرائات حقیقت دیگری است؛ ثانیاً قرآن با اراده خداوند و تعلیم و تلاش پیامبر میان مردم چنان گسترده شد که با تواتر به دست ما رسید، دیگر جایی برای این دست از شبهات باقی نمی‌ماند.

به هر حال قرآن حقیقتی دارد که همان وحی منزل است و واقعیتی امروزی از آن می‌بینیم که با قرائت‌های مختلف به آن نگاه می‌شود. اگر از طرفی با واقعیت تحریف قرآن به معنای اختلاف قرائات مواجه باشیم و از طرف دیگر واقعیت کلامی عدم تحریف قرآن را داشته باشیم، باید برای حل این تعارض به موارد ذیل قائل باشیم:

۱. مهم حجیت قرآن است که با وجود اختلاف در قرائات ساقط نمی‌شود.
۲. ارائه معنای جدیدی از تحریف.
۳. باید میان اقدام به تحریف قرآن با راهیافت تحریف در آن تفاوت قایل شد.

کتابنامه

ابن منظور، محمد بن مکرم. بی تا، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
احمد بن زکریا، ابن فارس. ۱۹۹۹ق، معجم مقاییس اللغة، ترجمه عبدالسلام محمد هارون، قم: دار
الفکر.

بخاری، محمد بن اسماعیل. ۱۴۰۱ق، صحیح بخاری، بیروت: دار الفکر.

حجتی، سید محمدباقر. ۱۳۷۲ش، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
حسن زاده، حسن. ۱۳۸۱ش، فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب رب الأرباب، ترجمه محمدی
شاهرودی، قم: انتشارات قیام.

خوبی، سید ابوالقاسم. ۱۳۸۷ش، البیان فی تفسیر القرآن، قم: دار الثقلین.

راغب اصفهانی، ۱۹۹۱ق، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار السلامیه.

زركشى، محمد بن بهادر. ۱۴۰۸ق، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: بی تا.

زمخشری، جار الله محمود بن عمر. بی تا، أساس البلاغة، چاپ اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات
اسلامی.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. ۱۳۶۰ق، الإتقان فی علوم القرآن، قاهره: بی تا.

طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۷۱ش، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات جامعه مدرسین.

طبرسی، فضل بن حسن. ۱۴۰۸ق، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة. چاپ دوم،

فراهیدی، خلیل بن احمد. ۱۴۰۹ق، العین، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای، قم: دار الحجره.

فیومی، احمد بن محمد. ۱۴۱۴ق، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير، چاپ دوم، قم: مؤسسه
دار الهجرة.

کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۳۸۹ق، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ پنجم، تهران: دار الکتب
الاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.

محمدی، فتح الله. ۱۳۷۸ش، سلامة القرآن من التحریف، تهران: بی تا.

معرفت، محمد هادی. بی تا، التمهید فی علوم القرآن، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

Bibliography

Ibn-e-Khord, Mohammad bin Muhammad, Lissan al-Arab, Beirut, Dar-ehia al-Terat al-Arabi, third edition, bi-to.

- Hojjati, Seyyed Mohammad Baqer, Research in the History of the Holy Quran, Tehran, Islamic Culture Publishing House, 1993.
- Hassanzadeh, Hassan, Sepehr-e Khatib, in the non-distortion of the book of the Sabbab, translated: Mohammadi Shahroudi, Qom, Ghayam Publication, 1381.
- Khoyi, Seyyed Abolqasem; Al-Bayan al-Tafsir al-Quran, Qom, Dar al-Qalqin, 2008.
- Ragheb Esfahani, Almfrudat al-Fahz al-Quran, Beirut, Darussalamia, 1991.
- Zarkashi, Muhammad ibn Bahadur; Al-Baheran Fayyas al-Quran, Beirut, Anaham, 1408 AH.
- Zhomakhshari, Jarullah Mahmud bin Umar, Basil-e-Balaghah, First edition, Qom: Islamic Propaganda Office, Beita.
- Siouti, Abdurrahman ibn Abibakr; Al-Taqa al-Quran, Cairo, Anaham, 1360 AD.
- Sahih Bukhari, Mohammad bin Isma'il, Beirut, Dar al-Fakr, 1401.
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, Qom, Society of Teachers Publishing, 1371.
- Tabriz, Fazl ibn Hassan, Assembly of the Interpreter, Beirut, Dar al-Ma'arfa, Second Edition, 1408 AH.
- Farahidi, Khalil ibn Muhammad, Al-Ain, Research by Mehdi Makhzumi and Ebrahim Samerai, Qom, Dar al-Hajar, Second Edition, 1409 AH.
- Fumiy, Ahmad ibn Muhammad, Al-Masbah al-Munir fi Gharib al-Shar'ah al-Kabir, Second edition, Qom: The founder of the Al-Jajarah, 1414 AD.
- Kellini, Mohammad bin Yaghoub, Allafi, Research, Ali Akbar Ghaffari, Tehran, Islamiyah Darolkabet, Fifth Edition, 2010 AH.
- 15th Majlesi, Mohammad Bagher, Baharalanavar, Beirut, Al-Wafa Institute, 1403
- Mohammadi, Fatallah, Salamat al-Quran al-Tahrir, Tehran, Iran, 1999.
- Mo'refat, Mohammad Hadi, Almayd Fayyas al-Quran, Qom, Qom Seminary Management Center, Beita.
- Farahidi, Khalil ibn Muhammad, Al-Ain, Research by Mehdi Makhzumi and Ebrahim Samerai, Qom, Dar al-Hajar, Second Edition, 1409 AH.
- Ahmad ibn Zakaria, Ibn Fars, Ma'ibam al-Maqayyis al-Lahka, translation, Abdul-Salam Mohammad Aaron, Qom, Dar al-Fattala, 1999.
- Ragheb Esfahani, Almfrudat al-wafaz al-Quran, Beirut, Darussalamiyah, 1991.